



حضرت امام(ره)؛ از بلوغ معرفتی در جوانی تا رویکرد اصلاحی در فقه

به گفته مدیر موسسه معارف وحی و خرد، حضرت امام(ره) کتاب‌هایی همانند «سرالصلوه» را در دوران جوانی نوشته بودند و این نشان می‌دهد ...

به گفته مدیر موسسه معارف وحی و خرد، حضرت امام(ره) کتاب‌هایی همانند «سرالصلوه» را در دوران جوانی نوشته بودند و این نشان می‌دهد که ایشان در همان دوران جوانی به نوعی پختگی در درک معارف اسلامی و مبانی معرفتی آن رسیده بودند. حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصیری، مدرس حوزه و دانشگاه و مدیر موسسه معارف وحی و خرد، در گفت‌وگو با *خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)*، به بحث درباره شخصیت علمی حضرت امام خمینی(ره) و ویژگی‌های تفسیر سوره حمد ایشان پرداخت و اظهار کرد: حضرت امام خمینی(ره) در ابعاد مختلف علوم اسلامی، چه در فقه، اصول، تفسیر، فلسفه و چه در عرفان دارای جایگاهی رفیع هستند و سیر مطالعاتی، تحصیلی و پرورشی ایشان مبتنی بر شیوه سنتی در حوزه‌های علمیه بود.

ذوابعاد و بحرالعلوم بودن؛ ویژگی ممتاز و متمایز کننده امام خمینی(ره)
نصیری ادامه داد: جنبه فقهی و اصولی حضرت امام(ره) به دلیل جایگاه اجتهادی و جایگاه مرجعیت ایشان برجسته‌های دیگری مثل جنبه تفسیری، فلسفی، عرفانی و حتی اخلاقی ایشان سایه افکنده بود؛ چه اینکه در اوایل دهه چهل، یعنی بعد از وفات حضرت آیت‌الله بروجردی و حتی قبل از آن، یکی از شناخته‌شده‌ترین و مطرح‌ترین درس‌های اخلاق در حوزه علمیه قم مربوط به حضرت امام خمینی(ره) بود.

وی افزود: آن چیزی که حضرت امام(ره) را از مراجع دیگر و علمای هم‌طراز ایشان ممتاز و متمایز می‌ساخت، ذوابعاد و بحرالعلوم بودن ایشان بود و اینکه ایشان در حوزه‌های مختلف، نه تنها ورود کرده بودند، بلکه در سطح عالی تخصص داشتند. حضرت امام(ره) کتاب‌هایی همانند «سرالصلوه» که رنگ و بوی عرفانی و سلوکی داشت و برگرفته از معرفت عمیق اسلامی بود را در دوران جوانی نوشته بودند و این نشان‌دهنده این هست که ایشان در همان دوران جوانی به یک پختگی از درک و فهم از معارف و اندیشه‌های اسلامی و مبانی فکری و معرفتی آن رسیده بودند.

برگزیدن حکمت متعالیه ناشی از پختگی فلسفی حضرت امام خمینی است
مدیر موسسه معارف وحی و خرد در ادامه به دیدگاه حضرت امام خمینی درباره حکمت متعالیه و صدرالمتهلین اشاره کرد و گفت: نکته مهم و لازم به ذکر درباره حضرت امام خمینی(ره) تحلیلی است که ایشان از رابطه سه مشرب حکمت متعالیه، حکمت مشاء و حکمت اشراق ارائه می‌دهند و این تحلیل که نهایتاً به انتخاب و ارجحیت دادن به حکمت متعالیه توسط ایشان منجر می‌شود، نشان از پختگی فهم فلسفی ایشان دارد. این جنبه‌ها به دلیل جنبه فقهی و اصولی که ایشان داشتند و بعداً وجه انقلابی و سیاسی پیدا کردند، در مورد شخصیت حضرت امام(ره) مغفول واقع شده است.

دیدگاه اصلاحی و اعتقاد حضرت امام(ره) به فقه جواهری
این مدرس حوزه و دانشگاه به دیدگاه‌های اصلاحی حضرت امام خمینی(ره) اشاره کرد و گفت: البته اینکه بنده عرض کردم، حضرت امام خمینی(ره) در سیر تحصیلی و رشد علمی خودشان از سیره و روش سنتی حوزه و علمای سلف پیروی می‌کردند، یک بخش مطلب است و نکته دیگر این است که ایشان در مورد متون حوزوی و سیر تحصیلی حوزه، دیدگاه‌های اصلاحی هم داشته‌اند که در روش ایشان پیدا است؛ گو اینکه حضرت امام در مورد فقه هم اعتقاد راسخ به فقه جواهری دارند، اما به اعتقاد ایشان، فقه جواهری، فقهی است که در ذات و در درون خودش همراهی و هم‌پایی با زمان، شرایط و اقتضائات روزگار دارد. ایشان در مقابل عده‌ای که می‌خواستند فقه سنتی را در مقابل شرایط زمان قرار دهند، فقه جواهری را مطرح کردند که شرایط و اقتضائات زمان در درون آن مکنون است.

تفسیر سوره حمد، متکی به فهم عرفانی از آیات قرآن است
نصیری در پاسخ به پرسشی درباره روش و سبک تفسیری ایشان در تفسیر سوره حمد اظهار کرد: تفسیر سوره حمد ایشان یک تفسیر عمیق آیه به آیه و متکی بر فهم عرفانی از آیات قرآن کریم است و بیش از اینکه به حصول نزدیک باشد، به شهود نزدیک است و بیش از اینکه به فهم انسانی نزدیک باشد، به دریافت درونی و الهامی نزدیک است. ایشان در این تفسیر، دنیایی از معارف اسلامی را بدون مرز گذاشتن بین فقه، اخلاق و فلسفه و در هم آمیختگی این مطالب، به بیانی شیوا ارائه کردند.

مدیر موسسه معارف وحی و خرد ادامه داد: حضرت امام خمینی(ره) اعتقاد و نگاهی نظام‌مند و سیستمی به اسلام دارند و معتقدند که همه ابعاد اسلام در هم آمیخته است و قابل مرز نهادن نیستند؛ بنابراین نمی‌توانیم فقه را از اخلاق یا اخلاق را از عرفان جدا کنیم و اینها درهم تنیده هستند و ساختاری اندام‌واره دارند. تفسیر سوره حمد امام خمینی(ره)، گویا، تجسم و عینیت این دیدگاهی بود که در شناخت اسلامی حضرت امام(ره) عینیت و تجسم پیدا کرده بود.

تحصیل و تدریس فلسفه؛ دلیل مخالفت با امام خمینی(ره)

وی در پاسخ به پرسشی درباره دلیل مخالفت برخی حوزویان به این تفسیر اظهار کرد: همان‌گونه که ذکر شد، یکی از جنبه‌های این تفسیر نزدیکی به حصول به جای شهود است. حضرت امام خمینی(ره) در حوزه عرفان و در مورد شخصیت‌هایی همانند محی‌الدین ابن عربی به عنوان یک نظریه‌پرداز و عارفی که مراحل را طی کرده بود، نظراتی داشتند که بعضاً بخشی از حوزه با

این نظرات موافق نبودند و برنمی‌تافتند؛ گو اینکه برنتافتن این دیدگاه‌ها، بیشتر به دلیل نفهمیدن و ره نیافتن به آن حوزه‌ها بود و آن فضاها را نمی‌شناختند و نمی‌توانستند درک کنند؛ البته درک و شناخت فلسفی ایشان هم تاثیرگذار بوده و یکی از دلایل مخالفت بخشی از حوزه با این تفسیر هم همین خواندن و تدریس فلسفه توسط ایشان بود.